

مقاله نویسی (۲)

مقاله زیر را با هم می خوانیم.

کتاب و کتاب خوانی

در روزگار ما دیگر نیازی نیست بگوییم: «خواندن خوب است». همه می دانند و باید بدانند که خواندن سودمند و لازم است. زمان آن رسیده است که به جای شعار دادن درباره خواندن، به کارهایی بنیادی دست بزنیم؛ نیاز به خواندن را از کودکی به گونه ای بیاموزیم که در شمار عادت ها و جزئی از طبیعت انسان درآید. نویسندگانی را بیابیم که بدانند چه و چگونه و برای که بنویسند. ناشرانی را بیابیم که بدانند چه و چگونه و برای کدام خواننده ها، کدام نوشته ها را چاپ و منتشر کنند. همچنین خوانندگانی را بیابیم که بدانند چگونه بخوانند و چه بخوانند.

چهار هزار سال از پیدایش کتاب می گذرد و هنوز هم کتاب بهترین ابزار انتقال تمدن و فرهنگ و دانش است. زمانی که سینمای صامت به بازار آمد، گروهی مرگ کتاب را فرار رسیده پنداشتند و بعدها که سینمای ناطق و رادیو به میان مردم راه یافت، گروهی کتاب را در حال احتضار دانستند. پس از آن، وقتی که تلویزیون، تصویر و صدا را به خانه ها آورد، گروهی مرگ کتاب را حتمی دانستند ولی کتاب همچنان زنده است. تجربه به ما آموخت که سینما و رادیو و تلویزیون هرگز نتوانسته اند و نخواهند توانست جای کتاب را بگیرند. این سه، ابزارها و شیوه های خبری فوری و لحظه ای و در عین حال هنری گذرا و ناپایدارند و در مقابل، کتاب یک وسیله خبری و هنری ثابت و پایدار است. آنها فقط می توانند به تکامل فرهنگی انسان کمک کنند ولی کتاب پایه ای است که فرهنگ یک ملت و دانش انسانی بر آن بنا شده است و روز به روز قوام و دوامی بیشتر و عمری درازتر و جاودانه تر می یابد.



زنده ماندن و جاودانگی ارزش انتقال فرهنگی کتاب را مدیون کسانی هستیم که در این هزاران سال، تلاشی پیگیر و روبه کمال در تغییر محتوا و شکل کتاب و در دسترس همگان گذاشتن آن داشته‌اند. شکل ظاهری کتاب در طول تاریخ تغییری اساسی کرده است. هزاران سال پیش نوشته‌ها را بر تخته سنگ‌ها یا لوح‌های گلین – که بعد آنها را در کوره می‌پختند – یا صفحه‌هایی از چوب، عاج، استخوان، پوست جانوران و مانند آن نقش می‌کردند. لوح‌های میخی کتابخانه بزرگ آشور بانیپال^۱ در آشور، طومارهای چهل متری پاپیروسی^۲ پنج هزار سال پیش مصری‌ها یا طومارهای ده متری پاپیروسی دو سه هزار سال پیش یونانی‌ها را کتاب‌های آن زمان می‌دانیم ولی امروز کتاب از لحاظ شکل هم برای ما تعریفی دیگر یافته است: آن را مجموعه‌ای از صفحه‌های نوشته شده و جلد شده در باره یک واحد

۱- بزرگ‌ترین فرمانروای سرزمین آشور (در غرب رود دجله) در سال‌های ۶۶۸ تا ۶۳۳ پیش از میلاد که به دانش و هنر و معماری و ادبیات بسیار توجه داشت. به دستور او همه آگاهی‌های آن زمان به خط میخی بر لوح‌هایی نقش یافت و در کتابخانه بزرگ آشور جمع‌آوری شد. بیشتر این لوح‌ها در موزه بریتانیای شهر لندن نگهداری می‌شود.

۲- Papyrus گیاهی است آبی که در روزگاران باستان در کناره‌های رود نیل در مصر فراوان می‌رویده است. از ریشه آن برای سوخت، از مغز آن برای خوراک و از ساقه‌اش برای ساختن طناب و بادبان و پارچه و تهیه پاپیروس – که بر آن می‌نوشتند – استفاده می‌کردند. تا قرن هشتم میلادی که کاغذ به مصر راه یافت، پاپیروس برای نوشتن در مصر و سرزمین‌های مدیترانه‌ای رواج داشت. به نوشته‌هایی هم که بر این پاپیروس‌ها بر جای مانده است «پاپیروس» می‌گویند. واژه Paper در زبان انگلیسی و Papier در زبان فرانسوی، به معنای کاغذ، برگرفته از این نام است.

نوشته می‌دانیم که دست‌کم ۶۴ یا ۹۶ صفحه داشته باشد. «یونسکو»^۱ چنین مجموعه‌ای را که کمتر از ۴۰ صفحه نباشد، کتاب می‌خواند.

تزدیک به ۱۸۰۰ سال پیش که چینی‌ها کاغذ را اختراع کردند، کتاب‌ها در آن سرزمین بر کاغذ نوشته شدند. گرچه چینی‌ها صدها سال فن کاغذ سازی را از ملت‌های دیگر پنهان داشتند، سرانجام، وقتی مسلمانان در ۱۳۰۰ سال پیش به سمرقند، قدیمی‌ترین شهر آسیای مرکزی و تنها کارگاه کاغذسازی که چینی‌ها در بیرون از مرزهایشان در این شهر برپا داشته بودند، دست یافتند، این فن نخست به بغداد و سپس از راه آفریقا به اروپا راه یافت و کتاب‌کم‌شکلی امروزین گرفت.

در روزگاران گذشته، تهیه کتاب همانند عصر حاضر آسان نبوده است. هزاران سال نوشته‌ها با ابزار نوک تیز، قلم و رنگ و مانند آن بر سنگ‌ها، لوح‌ها و صفحه‌هایی از چوب و استخوان و پوست و پاپیروس و کاغذ نقش می‌یافتند. تهیه نسخه‌ای از یک کتاب ماه‌ها و گاه سال‌ها به طول می‌انجامید. چنین بود که کتاب بسیار کمیاب و گران و دور از دسترس همگان بود. چاپ را هم چینی‌ها اختراع کردند و در حدود هزار سال پیش نخستین کتاب را به چاپ رساندند. فن چاپ تزدیک به پانصد سال پیش به اروپا رسید و از این زمان است که تاریخ کتاب به تاریخ چاپ پیوست و کم‌کم کتاب فراوان و ارزان شد. فراوانی و ارزانی کتاب را مدیون اختراع کاغذ و چاپ و پیشرفت‌هایی هستیم که در این چند قرن در آنها پدید آمده است. امروز دیگر کاغذ را همان‌گونه نمی‌سازند که چینی‌ها اختراع کرده بودند و مایه کارشان کهنه پارچه‌های پنبه‌ای و تولیدشان بسیار اندک بود. امروز از الیاف گیاهی، خیزران، ساقه کتان، کاه، شیرۀ نیشکر، تگه پارچه‌های پنبه‌ای و حتی کاغذهای باطله برای تهیه کاغذهای گوناگون استفاده می‌کنند و کارخانه‌های کاغذسازی بزرگ جهان در کمترین زمان بیشترین تولید را دارند. صنعت چاپ هم دیگر آن نیست که چینی‌ها اختراع کرده بودند یا پانصد سال پیش در اروپا رواج داشت. دیگر کتاب‌ها را صفحه صفحه و با فشار آوردن بر کاغذی که روی صفحه‌ای حروف آغشته به مرکب گذاشته شده است، چاپ نمی‌کنند. امروز صنعت چاپ به ماشین‌هایی مجهز است که می‌تواند در هر ساعت بیش از ۶۰۰/۰۰۰ برگ ۶۴ صفحه‌ای یک کتاب را در همه رنگ‌ها چاپ و تا و مرتب کنند و به ماشین‌های صحافی که بیش و کم سرعت تولیدی به همین میزان دارند، بسپارند.

از اینها گذشته، در چند دهه پیش دگرگونی دیگری در صنعت نشر پدید آمد و «کتاب‌های جیبی»

۱- United Nations Educational Scientific, And Cultural Organization سازمان تربیتی و علمی

و فرهنگی ملل متحد یکی از مؤسسه‌های وابسته به سازمان ملل متحد است.

به بازار راه یافت و فراوانی و ارزانی کتاب را به نهایت رسانید و حتی کتاب‌های کلاسیک و متن‌های فنی و تخصصی و شاهکارهای ادبی و علمی و هنری و فلسفی را در اختیار همگان گذاشت.

با این همه، بسیاری از مردم جهان در قحطی کتاب به سر می‌برند. قرن‌ها تلاش شده است تا کتاب، این بهترین ابزار رساندن پیام و انتقال فرهنگ و تمدن و دانش انسان، از نسلی به نسل دیگر، رو به کمال برود و محتوا و شکل و فراوانی و ارزانی آن با نیاز انسان پیشرو زمان هماهنگ شود. گفته‌اند که چاپ، رهایی دوم انسان است؛ رهایی از جهل و بی‌خبری. سرنوشت اروپا را چاپ از بنیاد دگرگون کرد ولی هنوز هم بسیاری از مردمان جهان در جهل و بی‌خبری روزگار می‌گذرانند و کتاب را نمی‌شناسند و از آن بهره نمی‌گیرند. نزدیک به یک میلیارد بی‌سواد جهان هنوز به این ابزار رهایی از بندهای نادانی و ستم، دست نیافته‌اند و در استعمار و استثمار فرهنگی و سیاسی و اقتصادی آنهایی که به این سلاح مجهزند، به سر می‌برند. نویسنده و کاغذ و ماشین چاپ دارند یا می‌توانند داشته باشند ولی نمی‌دانند از آنها چگونه و برای رسیدن به چه هدفی باید سود ببرند. اینها را در کجا و از چه کسانی باید بیاموزند؟ مگر نه این است که مدرسه باید پایه‌گذار همهٔ این دانش‌ها و افزایش روزافزون مصرف‌کنندگان فرآورده‌های صنعت نشر، یعنی کتاب باشد؟ مگر نه این است که ریشه‌های ناپایداری عادت به خواندن را باید در دوره‌های کودکی و نوجوانی جست؟ مگر نه این است که مدرسه باید کتاب‌خوان و کتاب‌نویس و دیگر کوشندگان صنعت نشر کتاب را پروراند؟ درست است که شمارهٔ دانش‌آموزان و شمارهٔ خواستاران کتاب، انتشار کتاب، کتاب‌فروشی و کتابخانه، و نویسنده و کتاب‌پرداز و ناشر را چند سالی است در جامعهٔ خودمان روزافزون می‌بینیم ولی آیا این تلاش در خور ستایش و امیدوارکننده به آن کیفیت و کمیتی هست که باید باشد؟ اگر نیست باید برای آن چاره‌اندیشی کنیم و برای کشف علل آن به جست‌وجو بپردازیم.

بی‌سوادی، عادت نیافتن به خواندن و سود بردن از کتاب در بهتر کردن زندگانی معنوی و مادی، کمبود کتاب‌های مناسب برای گروه‌های گوناگون کتاب‌خوان — که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند — نداشتن نویسنده و ناشر و امکانات چاپ و کتاب‌رسانی به قدر نیاز در برخی از زمینه‌ها و در همه جا و بسیاری از ناآگاهی‌ها عوامل اصلی فقر و قحطی کتاب در بیشتر سرزمین‌های جهان است. با توجه به این واقعیت‌هاست که آموزش زبان و ادبیات فارسی در مدرسه‌ها، هم در تربیت معلم و هم در آموزش و پرورش دانش‌آموزان، باید دگرگون شود و کتاب و کتاب‌خوانی و پژوهش و جست‌وجوگری برای

بهره‌گیری از کتاب و نویسندگی برای آموزش سواد به نوسوآدان و نوخوانان و اکثریت مردم جامعه در همهٔ زمینه‌ها محور اصلی همهٔ آموزش‌ها قرار گیرد؛ زیرا کارنشر برای این گروه، یک کار بزرگ صنعتی است. فرآوردهٔ این صنعت بزرگ، کتاب است، مصرف‌کنندهٔ آن کتاب خوان و مهم‌ترین پدیدهٔ آورندهٔ آن نویسنده. مقاله‌ای که خواندید :

□ جامع و خالی از تکرار است و در مجموع، نکات تازه‌ای را به ما منتقل می‌کند.
□ نویسنده در کلام خود از منابع معتبر بهره‌جسته و در نقل قول‌ها نیز امانت را کاملاً رعایت کرده است. ارجاعات، دقیق و مطابق آخرین چاپ هر کتاب است.
□ نویسنده به کمک منابع و با بهره‌گیری از دریافت‌های خود مقاله را تنظیم و تدوین کرده است.

□ بین بخش‌های گوناگون مقاله پیوستگی کامل دیده می‌شود.
□ آغاز و پایان مناسبی دارد.
□ حجم مقاله با توجه به کشش، اهمیت و تازگی مطلب متناسب است.
□ زبان و بیان آن گویا، ساده، بی‌ابهام و بی‌پیرایه است.
□ نکات فنی و زبانی و شیوهٔ املا کاملاً در آن رعایت شده است.
□ نویسنده برای تأثیرگذاری بیشتر مقاله، از تصاویر مناسبی برای معرفی موضوع موردنظر خود استفاده کرده است.

آنچه برشمردیم از ویژگی‌های یک مقالهٔ خوب است. مقاله معمولاً دربارهٔ یک موضوع است. در بعضی مقاله‌ها، نویسنده می‌کوشد راه‌حلی را که به نظر او مفید و مؤثر است، ارائه کند. یک مقالهٔ خوب معمولاً از واقعیت‌های اجتماعی، علمی، سیاسی، آموزشی و ... الهام می‌گیرد.

نویسندهٔ یک مقالهٔ خوب می‌کوشد متناسب با درک و نیاز خوانندگانش بنویسد. حجم مقاله به موضوع و سطح مخاطبان آن بستگی تام دارد اما به هر حال، پرهیز از درازگویی پسندیده‌تر است. نویسنده باید با ارائهٔ دلایل کافی و مثال‌ها و آمار و ارقام یا به هر وسیلهٔ دیگر، موضوع مورد نظر خود را به‌طور عینی، ملموس، علمی و مستدل مطرح کند. شرط اساسی برای نوشتن مقاله احاطهٔ کامل بر موضوع مقاله است؛ این امر به ویژه در نگارش

مقاله‌های فنی و تخصصی اهمیتی خاص می‌باید. در مقالات اجتماعی، انتقادی، اخلاقی، خانوادگی، دینی و ... رعایت جانب انصاف لازم است. نویسنده این گونه مقالات باید در کمال صداقت و ایمان و به نیت خدمت به جامعه و مردم قلم به دست گیرد. مقاله باید به دور از هرگونه توهین و تمسخر و غرض‌ورزی و هتاک‌نویسی نوشته شود.

گام اول در نگارش مقاله انتخاب موضوع است. موضوع مقاله باید جذاب، مفید، شوق‌انگیز، آگاهی‌دهنده و متناسب با نیازهای جامعه باشد. همه چیز به شرط اندکی دقت در دیده‌ها، شنیده‌ها، خواننده‌ها، تجربه‌ها و ... می‌تواند موضوع مقاله باشد.

مقاله می‌تواند در موضوعات گوناگون علمی، فنی، هنری، ادبی، دینی، تاریخی، اجتماعی، قضایی، سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ورزشی، فرهنگی، کشاورزی، فلسفی، اقتصادی نوشته شود.

هریک از این عناوین کلی خود دارای عناوین فرعی متعددی است؛ مثلاً مقالات اجتماعی ممکن است درباره‌ی خانه، مدرسه، جامعه، شهر، روستا، اخلاق عمومی، فرهنگ عمومی، عادات و رفتار اجتماعی، جمعیت، محیط اجتماعی و ... باشد. حتی هر یک از این عناوین فرعی نیز می‌تواند به موضوعات دیگر فرعی تقسیم شود: مثلاً روستا به موضوعات ریزتری چون علل روستاگریزی، نقش روستا در تولید، فرهنگ روستا، پراکندگی روستاها.

فعالیت

فکر کنید و بگویید تفاوت مقاله‌ای که در روزنامه درج می‌شود با مقاله‌ای که در فصل‌نامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها می‌آید، چیست؟

مقاله‌ها از نظر هدف و محتوا و هم‌چنین شیوه نگارش بر چند دسته‌اند:

الف) مقاله‌های پژوهشی، استدلالی و علمی که بر اساس برهان، منطق، تفکر و پژوهش تهیه می‌شوند. در این گونه مقالات، نویسنده می‌کوشد ضمن نشان دادن احاطه خویش بر موضوع، با دقت در پژوهش و رعایت اصل امانت در نقل مطالب، مباحث را تدوین کند و درهم بیامیزد تا از مطالب مورد بحث خود به درستی نتیجه‌گیری کند؛ مثل

مقاله‌ای که در آغاز درس خواندید و نیز مقاله‌ای که در درس مقاله‌نویسی (۱) به کمک یکدیگر تهیه کردیم.

ب) مقالات تحلیلی که در آنها نویسنده به تحلیل یا تفسیر یک موضوع می‌پردازد. در این گونه مقاله‌ها نویسنده از برهان‌های عقلی و نقلی برای اثبات مدّعی خود کمک می‌گیرد؛ مثلاً مقاله «فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی» که در کتاب ادبیات فارسی (۱) آمده، نمونه یک مقاله تحلیلی اجتماعی است.

خودآزمایی

۱) مقاله‌های «کتاب و کتاب‌خوانی» و «چنین رفت و ...» از نظر هدف و محتوا و شیوه نگارش چه نوع مقاله‌هایی هستند؟
۲) دو مقاله، یکی تحقیقی و استدلالی و دیگری تحلیلی، از نشریه‌های گوناگون انتخاب کنید و در کلاس بخوانید.

۳) در بند اول مقاله «کتاب و کتاب‌خوانی» انواع ضمیر را مشخص کنید.